

***Quality of Life Skills Curriculum in High School the Viewpoint of Teachers
and Providing Solutions for Quality by the Experts and Teachers***

N. KH. Taghei, Ph.D. Student in Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

M.J. Liaghatdar , Professor Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology University of Isfahan, Isfahan, Iran

javad@ed.ui.ac.ir

B. E. Zamani, Professor, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

The purpose of this study was to investigate the elements of life skills education curriculum in terms of goals, content, evaluation, educational facilities, place, time and providing solutions for quality of life skills education. The research method is a mix-type method, which has been used as a combination of sequential explanation type. The statistical population in this research included a sample of 2196 first-grade primary school life skill teachers in Fars province, selected by multi-stage cluster sampling proportional to community size in 225 the researcher-made questionnaire was distributed between them and a qualitative sample 18 of the experts and teachers who interviewed were identified. Findings showed that from the viewpoint of teachers, the goals, content and evaluation of the curriculum of life skills education were of moderate quality but the time, space and educational facilities of the curriculum of life skills training of high school were of desirable quality. In the opinion of the expert and teachers, the curriculum of life skills should be designed in accordance with the goals and designed according to the need, interest and ability of students, science and technology of the world, the existing facilities and conditions, and it is necessary to teach the teaching problem-driven students rely on students and teach them how to deal with different social situations. According to the main mission of this lesson, the curriculum is designed to institutionalize life skills in students so that they can use these skills in the real world and interact with issues and problems of life.

Keywords: Quality, life skills curriculum, First level high school education.

رویکردهای نوین آموزشی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

سال چهاردهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸

ص ۷۲-۸۸ تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22108/nea.2019.112007.1252

بررسی کیفیت برنامه درسی مهارت‌های زندگی در دوره متوسطه اول از دیدگاه معلمان، ارائه راهکارهای صاحب‌نظران و معلمان برای کیفیت‌بخشی به آن

نرجس خاتون تقیه، دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
محمدجواد لیاقتدار، استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
javad@ed.ui.ac.ir
بی بی عشرت زمانی، استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی عناصر برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی در دوره متوسطه اول از حیث اهداف، محتوا، ارزشیابی، امکانات آموزشی، مکان، زمان و ارائه راهکارهایی برای کیفیت‌بخشی به آموزش مهارت‌های زندگی بوده است. روش پژوهش از نوع ترکیبی-آمیخته است که از طرح ترکیبی از نوع تبیینی متوالی استفاده شده است. جامعه آماری بررسی شده در این تحقیق شامل نمونه کمی: ۲۱۹۶ معلم درس مهارت‌های زندگی دوره متوسطه اول در استان فارس است که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم جامعه در سطح استان فارس انتخاب و ۲۲۵ پرسشنامه محقق‌ساخت بین آنان توزیع شده است. نمونه کیفی شامل ۱۸ نفر از صاحب‌نظران و معلمان است که با مصاحبه با آنها عوامل کیفیت‌بخش به برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی مشخص شد. یافته‌ها نشان داد از دیدگاه معلمان اهداف، محتوا و ارزشیابی برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی دوره متوسطه از کیفیت متوسط برخوردار است؛ اما زمان، فضا و امکانات آموزشی برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی دوره متوسطه کیفیت مطلوبی ندارد. به نظر صاحب‌نظران و معلمان، برنامه درسی مهارت‌های زندگی باید باهدف نهادینه کردن مهارت‌های اساسی و پایه در دانش‌آموزان تدوین شود و متناسب با نیاز و علاقه و توان دانش‌آموزان، علم و فناوری روز دنیا، زمان کافی، امکانات و شرایط موجود طراحی شود؛ به گونه‌ای که آنها بتوانند از این مهارت‌ها در تعامل با دنیای واقعی کمک بگیرند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت، برنامه درسی مهارت‌های زندگی، آموزش دوره اول متوسطه.

نویسنده مسئول

مقدمه

اهمیت یک برنامه درسی مناسب طرح و مدل منطقی آن است؛ به نحوی که بتواند در برنامه درسی معمول با توجه به ویژگی های منحصر به فرد دانش آموزان تغییراتی ایجاد کند تا رشد این دانش آموزان را در همه زمینه ها افزایش دهد. اولین قدم در این فرایند یک تحلیل همه جانبه از برنامه درسی است (خسروی، ۱۳۹۳). امروزه بخشی از برنامه های درسی سطوح گوناگون تحصیلی به آموزش مهارت های زندگی اختصاص دارد. در اهداف آرمانی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز تحت مضامین گوناگون به آموزش مهارت های زندگی تأکید شده است (ادیب، ۱۳۸۲). آموزش مهارت های زندگی در همه سطوح تحصیلی مورد تأکید است؛ اما آموزش مهارت های فوق در دوره تعلیم و تربیت عمومی اهمیت مضاعف می یابد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۶). کنار آمدن با فشارهای زندگی و کسب مهارت های فردی و اجتماعی، همواره بخشی از واقعیت زندگی انسان بوده و در ادوار مختلف زندگی به اشکال گوناگون تجلی یافته است. در دوره کودکی تعارض، جلوه چندان ندارد، اما با افزایش سن و هنگام مواجهه با دشواری های سنین نوجوانی و جوانی، انتظارات خانواده و جامعه نیز افزایش می یابد و فرد را در چهارچوب هنجارهای اجتماعی و گروهی قرار می دهد (سادات محسنی و شفیع زاده، ۱۳۹۵).

مدیریت و آموزش مهارت های زندگی، به معنی برخورداری از توانایی های لازم در حل مشکلات و جلوگیری از تبدیل شدن آنها به بحران های فرسایشی است. یکی از مسائلی که نباید در هیچ یک از طرح های مربوط به آینده از آن غفلت شود، موضوع مهارت های زندگی و آموزش آن است. بندک، ملکی و عباسپور (۱۳۹۴) گفته اند «این مطلب برای بشر یک امر تشریفاتی نیست، بلکه یک موضوع حاد و تا حد زیادی خطرناک است که باید همچون مسئله مرگ و زندگی مورد توجه قرار گیرد». نهادهای آموزشی در طرح خود باید برای آموزش مهارت های زندگی، به این امر مهم توجه کنند و آموزش و پرورش به معنای عام نه در مقام یک مؤسسه رسمی، که دانش و آگاهی و محفوظات خاصی را در یک زمان معین به اذهان افراد انتقال می دهد، می تواند افراد را در روبه رو شدن با چالش ها و بحران های زندگی یاریگر باشد.

دانش آموزان بیشتر از طریق برنامه درسی به افکار و عقاید گوناگون روش های علمی برای حل مسائل گوناگون آشنا می شوند و خود را برای زندگی در جامعه آماده می کنند. به عقیده کرمی، تجری و پاک مهر (۱۳۹۲) طرح برنامه درسی مناسب، روند مهمی است که متخصصان به کار می گیرند تا باعث ایجاد انگیزه و یادگیری صحیح در دانش آموز شود. وارد کردن مفاهیم مرتبط با مهارت های زندگی در برنامه درسی در مقاطع مختلف تحصیلی باعث می شود دانش آموزان از همان ابتدا و در زمان تکوین و شکل گیری شخصیت خویش مهارت های زندگی را نه فقط در قالب یک درس، بلکه وظیفه و مسئولیت انسانی تلقی کنند. دانش آموزان در مدارس آموزش می بینند تا دانش و ارزش ها را فراگیرند و آنها را در زندگی به کار برند که در اینجا برنامه ریزی آموزشی و درسی بسیار مهم و اساسی است (اوحدی، مظاهری و معافی، ۱۳۹۱).

آموزش مهارت های زندگی در سال ۱۹۷۹ و با اقدامات گیلبرت بوتوین^۱ آغاز شد. برای نخستین بار سازمان بهداشت جهانی^۲ در سال ۱۹۹۶ برنامه مدوتی با عنوان آموزش مهارت های زندگی آماده کرد (نوری قاسم آبادی و محمدخوانی، ۱۳۹۰). بینا و همکاران در ایران، برنامه بهداشت روان در مدارس را به سال ۱۳۷۸ در منطقه دماوند انجام دادند که

1- Botvin

2- World Health Organization

مهم‌ترین بخش آن آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان بود (مقدم، علیزاده و وفایی، ۱۳۸۳). طرح کشوری آموزش مهارت‌های زندگی با همکاری وزارت بهداشت و آموزش و پرورش اجرایی شد. در راستای این طرح، اولین کارگاه آموزش معلمان، بهمن ۱۳۸۲ در سندج اجرا شد (داوودی، ۱۳۹۳). از سال ۱۳۷۹ این طرح با عنوان طرح کرامت در دوره ابتدایی، از سال ۱۳۹۱ با عنوان درس تفکر و پژوهش در پایه ششم و با عنوان تفکر و سبک زندگی در دوره اول متوسطه (پایه هفتم و هشتم) جزو برنامه آموزشی مدارس کشور ایران شد.

باتوجه به تغییرات و پیچیدگی روزافزون جامعه و گسترش روابط اجتماعی، آماده‌سازی افراد به‌خصوص جوانان و نوجوانان در رویارویی با مسائل و معضلات زندگی امری ضروری به نظر می‌رسد. سال‌های نوجوانی مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به‌شمار می‌رود. در این دوره نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی به‌خصوص تعادل بین عواطف و عقل، درک ارزش وجودی خویش، خودآگاهی، انتخاب اهداف واقعی، استقلال عاطفی در مقابل عوامل فشارزای محیط، برقراری روابط سالم با دیگران، کسب مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی از مهم‌ترین نیازهای نوجوانان است. بنابراین کمک به نوجوان در رشد و گسترش مهارت‌های لازم برای زندگی مؤثر، ایجاد یا افزایش اعتماد به نفس در برخورد با مشکلات و حل آن و همچنین کمک به آنان در رشد و تکامل عواطف و مهارت‌های زندگی، ضروری به نظر می‌رسد (کیامنش و حسین‌نژاد، ۱۳۹۰).

مهارت‌های زندگی توانایی‌هایی هستند که به فرد کمک می‌کنند در موقعیت‌های مختلف، عاقلانه و صحیح رفتار کند؛ به گونه‌ای که با خود و دیگران سازگارانه ارتباط برقرار کرده و بدون توسل به خشونت بتواند مسائل پیش آمده را حل کند و ضمن کسب موفقیت در زندگی، احساس شادمانی داشته باشد (وانگ^۱ ۲۰۱۷). مهارت‌های زندگی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که قدرت سازگاری و رفتار مثبت و کارآمد را افزایش می‌دهند؛ در نتیجه شخص قادر می‌شود بدون اینکه به خود یا دیگران صدمه بزند، مسئولیت‌های مربوط به نقش اجتماعی خود را بپذیرد و با چالش‌ها و مشکلات روزانه زندگی به شکل مؤثر روبه‌رو شود. مهارت‌های زندگی براساس گزارش یونیسف^۲ (۲۰۰۳) در چند سطح دسته‌بندی شده است: سطح اول، مهارت‌های پایه‌ای و اساسی روان‌شناختی و اجتماعی نظیر خودآگاهی و همدلی که به شدت متأثر از فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی هستند. سطح دوم، مهارت‌هایی مثل مذاکره، رفتار جرئت‌مندانه و حل تعارض هستند که تنها در شرایط خاص به کار می‌روند. سطح سوم، مهارت‌های کاربردی زندگی (امتناع از مصرف مواد مخدر). باتوجه به این سطوح مهارت‌های زندگی شامل ده مهارت اصلی و اساسی است که غالباً به صورت جفت‌جفت طبقه‌بندی می‌شوند؛ زیرا بین هر جفت ارتباط طبیعی وجود داشته و درحقیقت به منزله دو روی سکه هستند. این مهارت‌ها به نقل از کردنوقابی و شریفی (۱۳۸۴) عبارت‌اند از: خودآگاهی / همدلی^۳، ارتباط / روابط بین فردی^۴، تصمیم‌گیری / حل مسئله^۵، تفکر خلاق / تفکر انتقادی^۶، مقابله با هیجانات / مقابله با استرس^۷.

خسروی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «آسیب‌شناسی برنامه مهارت‌های زندگی در نظام آموزش و پرورش متوسطه نظری» در یافت که «آسیب‌های موجود در عناصر برنامه درسی مهارت‌های زندگی از دید متخصصان تعلیم و تربیت متوجه

1- Wang
2- Unisef
3- Empathy
4- Relationships
5- Decision making
6- Creative thinking
7- Coping with stress

اهداف، محتوا و زمان آموزشی؛ از دید معلمان متوجه فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی و زمان و در نهایت از دید دانش‌آموزان متوجه مواد آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، ارزشیابی، گروه‌بندی، زمان و فضای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بوده است.

زمانی آرا و نیرو (۱۳۹۳) در «تحلیل محتوای کتاب‌های علوم اجتماعی دوره ابتدایی از نظر میزان تأکید بر آموزش ارزش‌ها و مهارت‌های اجتماعی براساس نظرات معلمان»؛ به این یافته رسیدند که بیشترین میزان توجه کتاب‌های درسی (تعلیمات اجتماعی) دوره ابتدایی به مؤلفه مهارت روابط اجتماعی، شناخت ارزش‌ها، کنترل هیجانات و فشارهای روانی (خودکنترلی) و کمترین میزان توجه به مهارت بهداشتی (زیستی و محیطی) است. توجه به مهارت تفکر خلاق، خودشناسی، تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری، مهارت برقراری ارتباط با دیگران در حد متوسط بوده است.

درخشش، سعادت‌مند، موبد و مهدی‌بیگی (۱۳۹۳) به «بررسی میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی با مهارت‌های ضروری زندگی از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی» پرداختند که نشان داد تفاوت معنی‌داری بین مجموعه‌نمرات میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی با مهارت‌های زندگی وجود داشت.

ارجمندنیان، ندوشن، خوشنام و شیا (۱۳۹۱) به منظور بررسی تحقیقات انجام‌شده در حوزه آداب و مهارت‌های زندگی فراتحلیلی در این زمینه بر روی ۸۸ تحقیق انجام‌شده در سال ۱۳۸۷ در مراکز آموزشی و پژوهشی، صورت دادند. حدود ۸۸ درصد تحقیقات، در حوزه آداب و مهارت‌های زندگی، در بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ انجام شده، در صورتی که قبل از سال ۱۳۷۴ هیچ پژوهشی در این زمینه شکل نگرفته بود.

میوفی^۱ (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان «مهارت‌های زندگی، سلامت روان» به این نتیجه می‌رسد که بین سلامت روان و مؤلفه‌های آن با مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد.

وانگ^۲ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر افسردگی، اضطراب، فشار روانی» به این نتیجه رسیده است که آموزش مهارت‌های زندگی باعث کاهش افسردگی، اضطراب و فشار روانی در هنرجویان دارای اختلال می‌شود.

رانندرا^۳ (۲۰۱۷) در مقاله اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی بیان می‌کند «نوجوانی دوره‌ای است پر از انرژی، اما متأسفانه، اکثر نوجوانان نمی‌توانند از استعداد‌های بالقوه خود استفاده کنند. احساس شده است که آموزش مهارت‌های زندگی کمک به جوانان برای غلبه بر چنین مشکلاتی است. این مقاله بر اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی و مزایای استفاده از آموزش مهارت‌های زندگی تمرکز دارد. برنامه درسی توسعه مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و تفکر در دانش‌آموزان، برای تربیت یک شهروند پویا، که می‌تواند با چالش‌های آینده کنار بیایند و به خوبی زندگی کنند».

سومینگ^۴ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «تنهایی، جستجو برای معنا و سلامت روانی نوجوانان از لحاظ اقتصادی محروم محروم چینی ساکن در هنگ کنگ؛ پیامدهای برنامه‌های توسعه مهارت‌های زندگی» به بررسی رابطه راه‌های جستجو برای معنا و تنهایی مربوط به سلامت روانی نوجوانان از لحاظ اقتصادی محروم پرداخته است. باتوجه به چنین توابع از جستجو برای معنا و احساس تعلق در توسعه جوانان در میان مشکلات اقتصادی، کارکنان و مربیان باید برنامه‌های

1- Murphy
2- Wang
3- Ravindra
4- Siu-ming

مهارت‌های زندگی معنی و رابطه‌گرا در زمینه‌های آموزش رسمی و غیررسمی و همچنین تسهیل جستجو جوانان برای معنا در زمینه آموزش غیررسمی را آغاز کنند.

جمالی و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان دانش‌آموزان مدارس متوسطه ایران: یک مطالعه مقدماتی» به مطالعه اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان دانش‌آموزان مدارس متوسطه ایران می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های زندگی اثر مثبت بر سلامت روان شرکت‌کنندگان دارد. با توجه به اهمیت سلامت روان در جوامع مدرن، لازم است برای مدارس به ترکیب مهارت‌های زندگی در برنامه درسی خود را برای حمایت از سلامت روان نوجوانان است.

بابیل^۱ (۲۰۱۶) در تحقیق خود «اثر بخشی مهارت‌های زندگی» نشان داد شرکت در دوره پیش‌دبستانی در ارتقای مهارت زندگی کودکان سودمند است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود دوره‌های عملی براساس فعالیت‌هایی مانند بازی و نقاشی برای افزایش مهارت زندگی کودکان فراهم شود و زمینه برای ورود همه کودکان به پیش‌دبستانی ایجاد شود.

جی گاناتان^۲ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به این نتایج رسید که ارائه برنامه آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس موجب ارتقای عملکرد فراگیران در حوزه‌های تحصیلی، فردی، بین‌فردی و روابط با همسالان می‌شود.

دانشگاه نیویورک^۳ (۲۰۱۳) در بسته‌ای آموزشی با عنوان «آموزش مهارت‌های زندگی برای هدایت نوجوانان» ضمن پرداختن به مسائل و معضلات دوران نوجوانی که نقطه عطف در مراحل زندگی است، به ارائه آموزش‌های مهارت‌های زندگی ویژه این دوران از زندگی پرداخته است.

سند برنامه درسی کشور اسکاتلند^۴ (۲۰۰۹) برای تعالی آموزش مهارت‌ها (مهارت برای یادگیری و مهارت‌های زندگی و مهارت برای کار) را تدوین کرد که این سند برای همه افراد درگیر، یادگیری مؤثر و لازم برای توسعه مهارت زندگی و کار را تنظیم و ترویج می‌کند.

ویچراسکی^۵ (۲۰۰۹) در تحقیق خود ثابت کرد شرکت در کلاس‌های آموزش مهارت زندگی موجب ایجاد عزت‌نفس می‌شود؛ عزت‌نفس نیز انعطاف‌پذیری در مقابل تغییرات را افزایش می‌دهد و نگرش‌های مثبت به پیشرفت احساس خودکفایی، رابطه بین فردی، جرئت‌مندی، مسئولیت‌پذیری، روابط با دیگران و اعتماد به نفس را تقویت می‌کند.

بررسی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد پژوهش‌های جامع و کامل و دربرگیرنده همه مؤلفه‌های مربوط به مهارت‌های زندگی بسیار اندک است. بیشتر پژوهش‌ها در زمینه مهارت‌های زندگی به یک یا چند متغیر مرتبط با مهارت‌های زندگی پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی است که به‌طور جامع و منسجم به بررسی برنامه درسی مهارت‌های زندگی پرداخته و عناصر آن را مجزا ارزیابی قرار دهد. بنابراین در این پژوهش مجموعه عناصر برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی نقد و ارزیابی شده است تا عوامل کیفیت‌بخش در آموزش مهارت زندگی مشخص و کمک‌شایانی به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران در تدوین بهتر این برنامه شود.

1- Babes
2- Jegannathan
4- New York University.
5- Scotland
5. Vychrvsky.

باتوجه به اینکه معروف‌ترین و کامل‌ترین برداشت از عناصر برنامه درسی را کلاین^۱ مطرح کرده (مهرمحمدی، ۱۳۹۶)، در این پژوهش برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی دوره متوسطه اول در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵ با کمک گرفتن از الگوی (مطالعه نظام مدرسه‌ای) کلاین - شامل اهداف، محتوا، ارزشیابی، زمان، مکان، امکانات و تجهیزات آموزشی - بررسی شده است.

اهداف^۲: تغییرات خاص و آشکار در رفتار دانش‌آموزان است که به عنوان نتیجه مشارکت وی در یک واحد فعالیت‌های یادگیری از او انتظار می‌رود (خویی‌نژاد^۳، ۱۳۹۰). محتوا^۴: یکی از جنبه‌های برنامه درسی است که به معنای دانش، مهارت، فرایند، نگرش و حقایق است که از طریق تجربیات یادگیری، انتخاب و سازماندهی شده و سپس به دانش‌آموزان ارائه می‌شود (میرزایی، ۱۳۸۹). ارزشیابی^۵: سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه نتایج حاصل با اهداف آموزشی از پیش تعیین شده به منظور تصمیم‌گیری در این باره که آیا فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های دانش‌آموزان به نتایج مطلوب انجامیده یا خیر (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۶). زمان^۶: تدریس در ظرف زمان انجام می‌شود اگر روش تدریس تدریس متناسب با زمان پیش‌نرود یا اهداف آن عقیم می‌ماند یا موجب اختلال در امر یادگیری می‌شود. بنابراین عنصر زمان و توجه به آن در تدریس اثربخش نقش مهمی دارد (ملکی، ۱۳۸۹). مکان^۷: کلیه فرایندهای یاددهی-یادگیری در آن انجام می‌گیرد و آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ فضاهای آموزشی کلاس‌های درس، کارگاه‌ها و یا کل فضاهای آموزشگاه محسوب می‌شوند (میرزاییگی، ۱۳۸۷). امکانات و تجهیزات آموزشی^۸: مجموعه‌ای از مواد یا موقعیت‌هاست که به منظور قادر ساختن فراگیر به یادگیری تولید می‌شود (خسروی، ۱۳۹۳).

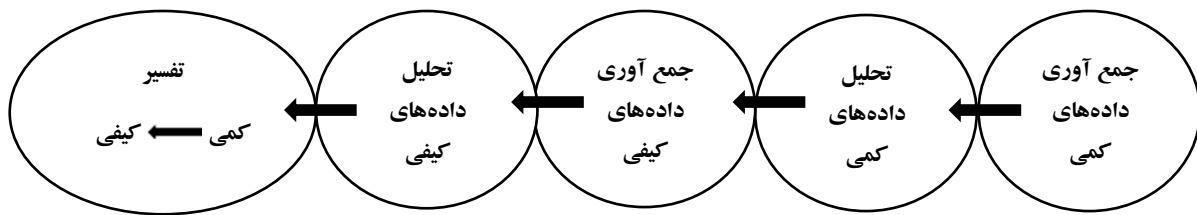
بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. نظر معلمان درباره اهداف آموزش مهارت‌های زندگی چیست؟
۲. نظر معلمان درباره محتوای کتب مهارت‌های زندگی چیست؟
۳. نظر معلمان درباره ارزشیابی از برنامه درسی مهارت‌های زندگی چیست؟
۴. نظر معلمان درباره زمان آموزش مهارت‌های زندگی چیست؟
۵. نظر معلمان درباره فضا و مکان برای آموزش مهارت‌های زندگی چیست؟
۶. نظر معلمان درباره امکانات و تجهیزات آموزشی برای آموزش مهارت‌های زندگی چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

باتوجه به اینکه تحقیق حاضر درصدد بررسی عناصر برنامه آموزش مهارت‌های زندگی دوره متوسطه اول از منظر معلمان شهر شیراز و بیان راهکارهای صاحب‌نظران و معلمان برای بهبود وضعیت آن است؛ روش تحقیق از نوع ترکیبی، آمیخته است و از طرح ترکیبی از نوع تبیینی متوالی استفاده شده است.

1- Klein.
2- objectives.
3- Silver and colleagues.
4- content.
5- Evaluation.
6- time.
7- space.
8- Educational facilities.



جامعه آماری: شرکت کنندگان در پژوهش شامل: الف) در بخش کمی ۲۲۵ معلم مهارت‌های زندگی دوره متوسطه اول استان فارس در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ که به صورت نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از ۲۱۹۶ انتخاب شده است؛ ب) در بخش کیفی ۱۸ نفر از صاحب نظران برنامه ریزی درسی و معلمان مهارت‌های زندگی که انتخاب مشارکت کنندگان با استفاده از رویکرد هدفمند بود و اشباع نظری داده‌ها مبنای کفایت تعداد مشارکت کنندگان قرار گرفت.

ابزار پژوهش: در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته مطابق با طیف لیکرت و بر اساس مطالعه مبانی نظری و تجارب حرفه‌ای محققان پژوهش درباره ارزیابی عناصر برنامه درسی تدوین شده اهداف: ۱۰ سؤال، محتوا: ۱۰ سؤال، زمان: ۴ سؤال، فضا: ۳ سؤال، امکانات آموزشی: ۳ سؤال و در بخش کیفی با صاحب نظران و معلمان مصاحبه باز پاسخ انجام شده است.

روایی و پایایی ابزار: در بخش کمی: روایی صوری با نظر ۸ نفر از استادان این حوزه به تأیید رسید. روایی محتوا نیز از روش تحلیل گویه و ضریب همبستگی بین گویه‌ها محاسبه شد. پایایی هم در نمونه آزمایشی (برای ۵۰ نفر) با ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۶ محاسبه شد. در بخش کیفی: به منظور روایی سؤالات مصاحبه، (۱۳ سؤال با توجه نتایج حاصل از داده‌های کمی طراحی شد) کدبندی، مقوله‌سازی، طبقه‌بندی و نتایج تحلیل به تأیید استاد راهنما و مشاور رسید و علاوه بر آن از دو نفر متخصص در زمینه تحقیق کیفی نظر خواهی شد. برای تعیین پایایی از روش بازبینی به وسیله مشارکت کنندگان (حلقه بازخورد) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

سؤال ۱ پژوهش: نظر معلمان درباره اهداف آموزش مهارت‌ زندگی چیست؟

جدول ۱: مقایسه میانگین نمره اهداف برنامه درسی مهارت زندگی با میانگین فرضی ۳

| P | t | انحراف معیار | میانگین | اهداف |
|------|------|--------------|---------|-------|
| /۰۰۱ | ۷/۳۴ | /۶۲۶ | ۳/۳۰ | |

بر اساس نتایج جدول (۱) مشاهده شده در سطح $p \leq /۰۵$ معنی دار بوده است. بنابراین کیفیت برنامه درسی مهارت زندگی در زمینه اهداف ارائه شده برای آموزش مهارت زندگی بیش از سطح متوسط بوده است.

باتوجه به اطلاعات حاصل از مصاحبه می‌توان گفت اهداف آموزش مهارت‌های زندگی تا حد بسیار مطلوب بر اساس استانداردها و ضوابط تدوین شده است؛ اما نظر به اهمیت و ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی، اهداف این درس علاوه بر اینکه باید قابلیت دستیابی را داشته باشد و متناسب با نیاز و علایق دانش آموزان، هنجارهای جامعه طراحی شوند

و همگام با تحولات علمی و فرهنگی جامعه به‌روز شده باشند و دانش‌آموزان را برای دنیایی واقعی آماده سازند. در این باره شرکت‌کننده کد ۱ معتقد است: «به جای آرمان‌پردازی و در نظر داشتن اهداف بلندمدت بهتر است هدف‌های قابل حصول و متناسب با نیاز دانش‌آموزان و جامعه باشد».

سؤال ۲ پژوهش: نظر معلمان درباره محتوای آموزش مهارت زندگی چیست؟

جدول ۲: مقایسه میانگین نمره محتوای برنامه درسی مهارت زندگی با میانگین فرضی ۳

| محتوا | میانگین | انحراف معیار | t | P |
|-------|---------|--------------|------|-------|
| | ۳/۱۶ | ۱/۶۰۳ | ۴/۱۴ | ۰/۰۰۱ |

براساس نتایج جدول (۲) مشاهده شده در سطح $p \leq 0.05$ معنی‌دار بوده است. بنابراین کیفیت برنامه درسی در زمینه محتوای ارائه شده برای آموزش مهارت زندگی بیش از سطح متوسط بوده است. باتوجه به نتایج مصاحبه‌ها می‌توان فهمید که محتوای ارائه شده برای آموزش مهارت‌های زندگی دارای ضعف‌ها و نقص‌هایی است که باید برای بهبود کیفیت این عنصر مهم برنامه درسی راهکارهایی در نظر گرفته شود. محتوا در عین همسو بودن با اهداف باید متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم جامعه باشد و پیشرفت‌های نوین علم و فناوری را دربر گیرد و در عین حال قابلیت یادگیری برای دانش‌آموزان را دارا باشد. محتوا باید متناسب با زمان تدریس تدوین شود، زیرا حجم زیاد محتوا و ارائه مطالب در یک بازه زمانی کوتاه باعث آسیب به کیفیت آموزش می‌شود. در این باره شرکت‌کننده کد ۱۷ معتقد است: «بهتر است تمرین‌ها و مطالب کاهش یابد و به آموزش یک یا دو مهارت در هر پایه پرداخته شود».

سؤال ۳ پژوهش: نظر معلمان درباره ارزشیابی از برنامه درسی در مهارت زندگی چیست؟

جدول ۳: مقایسه میانگین نمره ارزشیابی از برنامه درسی مهارت زندگی با میانگین فرضی ۳

| ارزشیابی از برنامه درسی | میانگین | انحراف معیار | t | P |
|-------------------------|---------|--------------|------|-------|
| | ۳/۱۸ | ۱/۷۸۷ | ۳/۵۱ | ۰/۰۰۱ |

براساس نتایج جدول (۳) مشاهده شده در سطح $p \leq 0.05$ معنی‌دار بوده است. بنابراین کیفیت برنامه درسی در زمینه ارزشیابی ارائه شده برای آموزش مهارت زندگی بیشتر از سطح متوسط بوده است. باتوجه به نتایج حاصل از مصاحبه‌ها می‌توان گفت معلمان تقریباً ارزشیابی‌های مناسب از این درس داشته‌اند و علاوه بر نمره پایانی به نمرات مستمر دانش‌آموزان توجه می‌کنند و در ارزیابی تنها به امتحانات کتبی توجه نداشته و به فعالیت‌های دیگری مثل پروژه هم توجه داشته‌اند. البته لازم است که ارزشیابی براساس مشارکت و همکاری معلم و دانش‌آموزان صورت گیرد و ارزشیابی فرایند یادگیری دانش‌آموزان نسبت به ارزشیابی پایانی از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. در این باره شرکت‌کننده کد ۹ معتقد است که: «بیشتر به صورت عملی و با تأثیر در رفتار دانش‌آموزان ارزیابی شود تا تأثیر آموزش در زندگی فردی و اجتماعی مشاهده شود».

سؤال ۴ پژوهش: نظر معلمان درباره زمان در مهارت زندگی چیست؟

جدول ۴: مقایسه میانگین نمره زمان برنامه درسی مهارت زندگی با میانگین فرضی ۳

| P | t | انحراف معیار | میانگین | زمان |
|-------|------|--------------|---------|------|
| ۰/۳۲۸ | ۲/۹۲ | ۰/۸۳۷ | ۳/۱۶ | |

بر اساس نتایج جدول (۴) مشاهده شده در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار نبوده است. بنابراین کیفیت برنامه درسی در زمینه زمان ارائه شده برای آموزش مهارت زندگی کمتر از سطح متوسط بوده است. نتایج حاصل از مصاحبه نشان می‌دهد زمان آموزش مهارت‌های زندگی از سه جنبه مشکل و ایراد دارد: اول اینکه زمان برای آموزش محتوای کتب مهارت‌های زندگی کم است و زمان در نظر گرفته شده با محتوا تناسب ندارد. دوم، بیشتر وقت آموزش برای ارائه محتوا صرف شود و زمان کمی برای انجام تکالیف فردی و گروهی اختصاص یابد و بازخوردهای مناسب به دانش آموزان ارائه نشود. در این باره شرکت کننده کد ۱۲ معتقد است: «ساعات حضور معلم مهارت‌های زندگی در مدرسه شش ساعت است و امکان تعامل با دانش آموزان نیست، بهتر است حداقل دو روز کاری در یک آموزشگاه باشد». سوم، کم‌اهمیت بودن این درس در ذهن مدیران و پرسنل دفتری (معاون آموزشی، معاون پرورشی و...) مدارس است که این سبب شده ساعت تدریس این درس در برنامه هفتگی یا در روزهای آخر هفته باشد یا نه، در ساعات آخر برنامه روزانه قرار گیرد و عملاً این درس نیز مانند برخی از دروس دیگر (ورزش، هنر و...) در این باره شرکت کننده کد ۱۶ معتقد است: «متأسفانه در تخصیص زمان به دروس در برنامه هفتگی، دروس ریاضی، علوم و زبان در اولویت بوده و بدتر اینکه دروسی مانند هنر، ورزش و مهارت‌های زندگی به عنوان دروس تکمیل کننده ساعات خالی برنامه مد نظر قرار می‌گیرند».

سؤال ۵ پژوهش: نظر معلمان درباره مکان و فضا در مهارت زندگی چیست؟

جدول ۵: مقایسه میانگین نمره مکان و فضای برنامه درسی مهارت زندگی با میانگین فرضی ۳

| P | t | انحراف معیار | میانگین | مکان و فضا |
|-------|--------|--------------|---------|------------|
| ۰/۴۸۹ | -۰/۶۹۳ | ۰/۷۶۹ | ۲/۹۶ | |

بر اساس نتایج جدول (۵) مشاهده شده در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار نبوده است. بنابراین کیفیت برنامه درسی در زمینه مکان و فضا برای آموزش مهارت زندگی کمتر از سطح متوسط بوده است. باتوجه به اطلاعات حاصل از مصاحبه می‌توان گفت فضا و مکان آموزش مدارس متوسطه دوره اول تا حد بسیار مطلوب بر اساس استانداردها و ضوابط است. فضای آموزشی مدرسه یادگیری مفاهیم درس مهارت‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بهتر است متناسب با نیاز دانش آموزان طراحی شود؛ اما در کنار مدرسه، کمک گرفتن از فضاهای آموزشی خارج از مدرسه از قبیل اردوها، بازدیدها، گردش‌های علمی و ... برای یادگیری مفاهیم برنامه درسی مهارت‌های زندگی مفید است و شاید بتوان با ایجاد فضاهای امن و دور از تنش و خطر، دانش آموزان را در مورد استفاده از آموزش مهارت‌های زندگی آموخته شده در موقعیت‌ها و شرایط واقعی ارزیابی و سنجش کرد. در این باره شرکت کننده کد ۸

معتقد است: «آموزش در کلاس خسته کننده بوده و تنوع لازم را ندارد؛ پس بهتر است برخی مواقع حصار کلاس را شکست و آموزش را در محیط زندگی واقعی به مرحله اجرا گذاشت».

سؤال ۶ پژوهش: نظر معلمان درباره تجهیزات و امکانات آموزشی در مهارت زندگی چیست؟

جدول ۶: مقایسه میانگین نمره تجهیزات و امکانات آموزشی برنامه درسی مهارت زندگی با میانگین فرضی ۳

| P | t | انحراف معیار | میانگین | تجهیزات و امکانات آموزشی |
|-------|--------|--------------|---------|--------------------------|
| ۰/۳۷۸ | -۰/۵۳۹ | ۰/۶۰۲ | ۱/۹۱ | |

بر اساس نتایج جدول (۶) مشاهده شده در سطح $p \leq 0.05$ معنی دار نبوده است. بنابراین کیفیت تدریس در زمینه تجهیزات و امکانات آموزشی برای آموزش مهارت زندگی کمتر از سطح متوسط بوده است. با توجه به نتایج مصاحبه می توان فهمید که امکانات آموزشی (مجله، کتاب، مقالات علمی و پژوهشی و ...) در زمینه مهارت های زندگی فراوان است؛ اما دسترسی و امکان استفاده از آنها مخصوصاً در مناطق محروم بسیار کم یا اصلاً وجود ندارد و این بدترین بی عدالتی آموزشی است؛ زیرا یادگیری عمیق برخی از دروس و به خصوص درس مهارت های زندگی نیازمند داشتن امکانات و لو بسیار محدود و کم است. لازم است امکانات و تجهیزات آموزشی متنوع و با علائق دانش آموزان متناسب باشد؛ یعنی خود آنها در انتخاب مواد آموزشی شرکت داشته باشند تا با کمک امکانات موجود یادگیری خویش را وسعت و عمق بخشند نه اینکه از داشتن حداقل امکانات (ویدیوپرژکتور) هم محروم شوند. در این خصوص شرکت کننده ۱۸ معتقد است: «یادگیری مفاهیم درس مهارت های زندگی از طریق مواد آموزشی گروهی (فیلم، پوستر و ...) و مواد آموزشی انفرادی (کتاب درسی، مواد کمکی و ...) تسهیل می شود؛ اما از لحاظ امکانات آموزشی مخصوصاً در روستاها بسیار در تنگنا بوده ایم و نمی توانیم مطالب را خوب به دانش آموزان انتقال دهیم».

بحث و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش نگرش جامعی درباره عناصر برنامه درسی آموزش مهارت های زندگی به دست می دهد و می تواند در فهم جامع برنامه درسی آموزش مهارت های زندگی مؤثر واقع شود. همان طور که یافته ها نشان داد از دیدگاه دانش آموزان:

در پاسخ به سؤال اول اهداف درس مهارت های زندگی مناسب تدوین شده و مطابق استانداردهای موجود است؛ این نتیجه با پژوهش سند کشور اسکاتلند (۲۰۰۹) و ارجمندنیا و همکاران (۱۳۹۱) همسویی دارد. البته لازم است با توجه به پیشرفت علوم و فناوری این اهداف نیز همه ساله بررسی و مطابق علم، فرهنگ و ارزش های روز جامعه باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده از پرسشنامه ها و مصاحبه ها می توان گفت: اهداف برنامه درسی آموزش مهارت های زندگی در کتب درسی دوره متوسطه اول هر چند بر اساس استاندارد تدوین شده است؛ متخصصان بر این باورند که اهداف آموزش مهارت های زندگی متناسب با علم روز نیست و در تدوین آنها به پیشرفت علم و فناوری توجهی نشده است و شاید لازم باشد با توجه به سرعت و هجوم اطلاعات اهداف حداقل هر ۲ تا ۳ سال یک بار به روز شوند تا تغییرات شرایط اجتماعی - فرهنگی در تنظیم برنامه های درسی مدارس مورد توجه قرار گیرد که در این راستا مشایخ (۱۳۹۰) بیان

می‌کند: «متأسفانه در کشور ما، در خصوص برنامه‌ریزی و آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه‌های درسی اقدام مؤثر صورت نگرفته است».

در پاسخ به سؤال دوم هم مشاهده شد که محتوای مناسب و استاندارد و و مطابق با چهارچوب استانداردها نوشته نشده است. محتوا باید در راستای اهداف تدوین شده و متناسب با نیاز و علاقه و توان دانش‌آموزان طراحی شود و محتوای آموزش مهارت‌های زندگی باید بر مسائل دامن‌گیر دانش‌آموزان تکیه کند و روش‌های برخورد با موقعیت‌های اجتماعی متفاوت را به آنها آموزش دهد؛ درحالی که آموزش فقط به صورت تئوری بوده و در عمل دانش‌آموز برای مقابله با چالش‌های دنیای واقعی زندگی آماده نخواهد شد که این نتیجه با پژوهش بایبل (۲۰۱۶) و سادات محسنی و همکاران (۱۳۹۵) همسویی دارد.

محتوای نوشته شده در دوره متوسطه اول فقط دو پایه هفتم و هشتم را شامل می‌شود و در پایه سوم مباحث آمادگی دفاعی جای مهارت‌های زندگی را پر می‌کند و این در حالی است که معلمان معتقدند باتوجه به اهمیت و ضرورت آموزش تمام مهارت‌های زندگی بهتر است در هر پایه دو تا سه مهارت آموزش اصولی و کاربردی گنجانده شود؛ طوری که به یادگیری عمیق و مادام‌العمر در دانش‌آموزان بینجامد. این دیدگاه، با نظر فتحی و اجارگاه (۱۳۸۶) همسوست که می‌گوید محتوای برنامه‌های درسی، زمانی به حقیقت نزدیک‌تر است که در معنا و مفهوم این عنصر از نظام تعلیم و تربیت توسعه قائل شود و آن را محدود به کتاب درسی یا حتی منحصر به مرحله طراحی، فارغ از آنچه که در اجرا به وقوع می‌پیوندد، ندانست. تمام گروه‌های مطالعه شده بر سر این موضوع که بین جنبه‌های نظری و عملی محتوای آموزش مهارت‌های زندگی تعادل برقرار نیست؛ اتفاق نظر داشتند و محتوای زیاد محدود شده به پایه‌های تحصیلی هفتم و هشتم را نامناسب دانسته و معتقد بودند که این مهارت‌ها یا باید در دوره ابتدایی شروع و تا دوره متوسطه اول ادامه یابد یا حداقل در محتوای آموزشی پایه نهم هم گنجانده شود.

در پاسخ به سؤال سوم مشخص شد که ارزشیابی مناسب و قانون‌مندی از این درس گرفته نشده است و ارزشیابی باید تلاش مشترک بین معلم و دانش‌آموز تلقی شود و باتوجه به رسالت اصلی این آموزش‌ها باید عملاً مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان نهادینه کرد؛ طوری که بتوانند از این مهارت‌ها در دنیای واقعی و در تعامل با مسائل و مشکلات زندگی کمک بگیرند که این نتیجه با پژوهش اوحدی و همکاران (۱۳۹۱) و میوفی (۲۰۱۷) همسویی دارد.

ارزشیابی باتوجه به اینکه یکی از مهم‌ترین معیارها در سنجش روند اجرای یک برنامه درسی است، اما از نظر معلمان ارزشیابی واقعی از آموخته‌های دانش‌آموزان باتوجه به ماهیت آموزش این درس امکان‌پذیر نیست و لازم است در این درس تنها به نتایج ارزشیابی پایانی توجه نداشت و به گفته متخصصان لازم است متناسب با هر مهارت بیشتر به ارزشیابی فرایندی و مستمر تکیه کنند که در طول یک سال تحصیلی انجام می‌شود؛ زیرا ارزشیابی مرحله به مرحله از جریان یادگیری و آموخته‌های دانش‌آموزان مفیدتر است. در این باره خسروی (۱۳۹۳) گفته است «خودارزیابی در این درس می‌تواند مفید واقع شود، زیرا معلم فرصت می‌یابد تا با ارائه بازخورد به دانش‌آموزان بر کیفیت خودسنجی نظارت کرده و بر انتخاب تکالیف محول شده به آنان دقت کند».

در پاسخ به سؤال چهارم مشخص شد که زمان تدریس برای این آموزش‌ها کافی بوده است؛ اما چالش تدریس این درس در برنامه هفتگی مدارس چندان مناسب نبوده و اصولاً این درس همچون زنگ تفریح دانسته می‌شود که این نتیجه با پژوهش جهانپور و همکاران (۱۳۹۳) و بندک و همکاران (۱۳۹۴) همسوست.

زمان مناسب و متناسب می‌تواند در آموزش محتوا هر چند حجیم، یاریگر باشد و آموزش را با کیفیت مطلوب به سرانجام برساند؛ اما به نظر معلمان زمان نه تنها با محتوای کتب هماهنگ نیست، زمان تدریس این درس در برنامه‌های کلاسی هم مناسب نیست. صاحب‌نظران هم نپرداختن به تک‌تک مفاهیم اساسی در آموزش مهارت‌های زندگی را ناشی از کمبود زمان آموزش در راستای محتوای آموزشی تلقی کردند. بررسی نیز حاکی از آن بود که افزایش زمان آموزشی سبب می‌شود دانش‌آموز با دانش بیشتری سروکار داشته باشد و در نتیجه به پیشرفت‌های مهمی در یادگیری دست یابد (درخشش و همکاران، ۱۳۹۳).

در پاسخ به سؤال پنجم مشخص شد که مکان (مدارس) تا حدودی خوب بوده و مطابق استانداردهای فضا است؛ اما باید در تدریس این درس از مکان‌هایی خارج از مدرسه هم کمک گرفته شود که این نتیجه با پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۵) و خسروی (۱۳۹۳) همسویی دارد.

فضای آموزشی در کشور ایران هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت دچار مشکلات فراوانی است که این امر خواسته یا ناخواسته آموزش را تحت تأثیر قرار داده و در راه موفقیت کامل آن مانع ایجاد می‌کند. از نظر معلمان مخصوصاً در مناطق محروم و روستاها کمبود یا حتی نبود فضاهای مناسب آموزشی ضربه مهمی به پیکر تعلیم و تربیت زده و خواهد زد و البته گفتنی است که در مناطق برخوردار و شهرها نیز مشکل تعداد زیاد دانش‌آموز در یک کلاس درس (۳۰ تا ۴۰ نفر) امر آموزش را مختل کرده است. وجود فضاهای کوچک با نبود تهویه و نور مناسب نه تنها برنامه درسی مهارت‌های زندگی را که آموزش سایر دروس را نیز دچار آسیب کرده است؛ محیط‌های ناشاد و خفهای که نه با سلیقه دانش‌آموز هماهنگ است و نه نیازهای آموزشی او را برطرف می‌سازد و می‌توان گفت مدارس ما بیشتر شبیه زندان هستند تا یک محیط آموزشی مناسب برای امر تعلیم و تربیت. در این راستا داگلاس (۲۰۱۱) بیان می‌کند «محیط فیزیکی مدرسه می‌تواند بر رفتار و نگرش دانش‌آموزان به مدرسه و یادگیری اثر بگذارد». بنابراین طبق توصیه متخصصان، کمک گرفتن از فضاهای آموزشی خارج از مدرسه برای یادگیری مفاهیم برنامه درسی مهارت‌های زندگی بسیار مفید است. پژوهش‌ها نشان‌دهنده این نکته هستند که گردش‌های علمی، فرهنگی و تفریحی به کاهش جرائم و ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان کمک می‌کنند (جهانپور و همکاران، ۱۳۹۳).

در پاسخ به سؤال ششم مشخص شد که در مدارس مخصوصاً مدارس محروم امکانات مناسبی برای آموزش مهارت‌های زندگی وجود ندارد؛ در حالی که آموزش تک‌بعدی و بدون کمک گرفتن از سایر امکانات آموزشی بازدهی مطلوبی نخواهد داشت که این نتیجه با پژوهش زمانی آرا و همکاران (۱۳۹۳) و نیازی آذر و همکاران (۱۳۸۹) همسویی دارد.

امکانات آموزشی در نظر معلمان، فراوان و بسیار منطبق با علم روز است و به خصوص در ارتباط با مهارت‌های زندگی هزاران هزار منبع علمی و آموزشی می‌توان یافت؛ اما مشکل اینجاست که دانش‌آموزان ما در مناطق محروم که امکان دسترسی و استفاده از این علوم و فناوری جدید را ندارند و سایر دانش‌آموزان هم یا روش دستیابی به این منابع را

نمی‌دانند یا علاقه و پشتکار لازم برای جستجو کردن و یافتن را در خود پرورش نداده‌اند و بیشتر به دنبال منابع در دسترس و سریع و راحت و شفاف و ... می‌گردند؛ اما متخصصان بر این باورند که مواد آموزشی باید بر اساس علایق دانش‌آموزان انتخاب شود و آنها خود در این امر دخیل باشند. در این راستا میوفی (۲۰۱۷) می‌نویسد: «مواد و وسایل آموزشی، منابعی هستند که اگر به‌طور صحیح استفاده شوند، معلم را در دستیابی به اهداف آموزشی یاری خواهند کرد»، روشن است که همنشین ساختن امکانات آموزشی با کتب درسی یادگیری محتوای آموزشی را لذت‌بخش‌تر و عمیق‌تر می‌سازد. در تبیین یافته‌های حاصل از پژوهش می‌توان گفت راهکارهای زیر در بهبود کیفیت برنامه درسی می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود:

توجه یکسان و هماهنگی بین تمام عناصر برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی؛ به‌منظور جلوگیری از هرگونه خلل در آموزش مهارت‌های زندگی.

مشارکت دانش‌آموزان در کنار معلمان کارآمد در تدوین برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی تا برنامه‌ها به صورت کاربردی‌تر و مفیدتر تدوین شود و متناسب با نیاز و علاقه دانش‌آموزان باشد.

استفاده از معلمان و مشاوران متخصص برای تدریس این درس یا در صورت کمبود و نبود نیروی متخصص کافی، برپایی کلاس‌های ضمن خدمت برای دبیران این درس و آشنا و مسلط ساختن آنها به مطالب علمی روز دنیا در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی.

استفاده از مواد و منابع آموزشی متنوع برای یادگیری عمیق و مادام‌العمر در کنار کتب آموزشی و خودداری از تکیه صرف بر کتاب در آموزش و کمک گرفتن از سایر رسانه‌های آموزشی.

توزیع عادلانه امکانات در سرتاسر مناطق آموزشی و ایجاد شرایط یکسان و مساوی برای همه دانش‌آموزان تا از همه مواد و منابع آموزشی استفاده برند.

بومی‌سازی محتوا و برپایی کارگاه‌های آموزشی برای عملی و کاربردی کردن بیشتر برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی.

منابع

ادیب، یوسف. (۱۳۸۲). طراحی الگوی مناسب برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای مدارس راهنمایی، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ارجمندنی، علی‌اکبر؛ غیائی‌ندوشن، سعید؛ خوشنام، مژگان و مقیمان‌شیا، مائده. (۱۳۹۱). فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آداب و مهارت‌های زندگی در ایران، نشریه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۲(۴)، ۳۵-۱۵.

اوحدی، محمود و مظاهری، حسن. (۱۳۹۱). اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، تهران: فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۱(۴)، ۲۰-۴۴.

بندک، موسی؛ ملکی، حسن؛ عباس‌پور، عباس و ابراهیمی، صمد. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مهارت‌های زندگی بر خلاقیت دانش‌آموزان. فصل‌نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴۱، ۲۰۰-۱۹۸.

- جهانپور، علی محمد و فکوری، حسین. (۱۳۹۳). ارزیابی طرح مهارت زندگی بر بهداشت روانی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان رشت از دیدگاه مدیران و معاونین و معلمان ابتدایی در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد آزاد شهر.
- الکساندر، ویلیام و سیلور، جی گان. (۲۰۰۱). برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. مترجم: غلامرضا خوی‌نژاد. تهران: آستان قدس رضوی.
- خسروی، رحمت‌اله. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی برنامه درسی مهارت‌های زندگی در نظام آموزشی نظری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- داوودی، آذر. (۱۳۹۳). مهارت‌های ضروری زندگی دوره راهنمایی و میزان انطباق مدارس با این مهارت‌ها از دیدگاه متخصصان و دبیران شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- درخشش، سعادت؛ سعادت‌مند، زهره؛ موید، نرگس و مهدی بیگی، مریم. (۱۳۹۳). بررسی میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی با مهارت‌های زندگی از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- رحیمی، غلام‌علی. (۱۳۹۴). فرایند ارزیابی عملکرد و بهبود مستمر سازمان. مجله تدبیر، ۱۷(۱)، ۳۴-۵۹.
- سادات‌محسنی، هدی، شفیع‌زاده، محسن. (۱۳۹۵). اثربخشی طرح آموزش مهارت‌های زندگی در دبیرستان‌های شهر تهران. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۱(۱)، ۱۶۲-۱۴۴.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۶). برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید (شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی). تهران: آبیژ.
- فتحی و اجارگاه، کورش و اسفندیاری، توران. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌یابی مهارت‌های زندگی موردنیاز بزرگسالان برای لحاظ کردن در برنامه درسی مدارس. فصل‌نامه تعلیم و تربیت، ۹۳، ۶۱-۴۴.
- قلتش، عباس. (۱۳۸۸). نقد و بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران به منظور ارائه طرح پیشنهادی برنامه درسی تربیت شهروندی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان).
- کردنوقایی، رسول و شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۴). تهیه و تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان دوره تحصیلی متوسطه. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، ۲(۱)، ۴۲-۶۵.
- کرمی، مرتضی؛ تجری، مجتبی و پاک‌مهر، حمیده. (۱۳۹۲). افزایش اثربخشی برنامه درسی مهارت‌های زندگی از طریق خلق محیط‌های یادگیری سازنده گرا، فصل‌نامه روان‌شناسی تربیتی، ۲۹، ۲۱-۲.
- کیامنش، علی و حسین‌نژاد، غلام‌علی. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی درسی مدرسه‌محور راهبردی برای تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی درسی، مجله پژوهش‌های برنامه درسی، ۱۲(۱)، ۱-۲۷.
- مشایخ، فریده. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی درسی برای مدارس، تهران: انتشارات برهان.

مقدم، مرضیه؛ شمس‌علیزاده، نرگس؛ وفایی، فاروق. (۱۳۸۳). بررسی اثربخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان آگاهی از این مهارت‌ها در گروهی از دانش‌آموزان مقطع چهارم دبستان‌های سنندج-تبریز، *مجله پزشکی دانشگاه تبریز*، ۲۸(۲)، ۱۰۳-۱۰۷.

ملکی، حسن. (۱۳۸۹). *آموزش و پرورش؛ فرصت‌ها و تهدیدها*. تهران: عابد.

موسوی، محمد؛ بشلیده، کیومرث و حقیقی، جمال. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و عزت‌نفس دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه، *فصل‌نامه علوم تربیتی و روان‌شناسی اهواز*، ۵۱، ۲۰-۳۶.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۶). *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*. مشهد: آستان قدس رضوی.

میرزاییگی، علی. (۱۳۸۷). *برنامه‌ریزی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی*. تهران: یسپرون.

میرزایی، حسن. (۱۳۸۹). *بررسی میزان توجه به ویژگی‌های شهروند جهانی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت*.

نوری قاسم‌آبادی، ربابه و محمدخوانی، پروانه. (۱۳۹۰). *برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور*.

Babes, M. & Cheraghali, M. R. (2016). The effectiveness of training the context of life skills book on the self-confidence of the first grade school. *Journal of Current Research in Science*, 11(2), 505-526.

Biotin, G. & Kantor, L. (2009). Prevention alcohol and tobacco use through the training. *Journal of Acreage Research and Health*, 24(1). 8 -22.

Jamali, S. Sabokdast, S. Nia, H. S. Goudarzian, A. H. Beik, S. & Allen, K. A. (2016). The effect of life skills training on mental health of Iranian middle school students: A preliminary study. *Iranian Journal of Psychiatry*, 11(4), 269-278.

Jegannathan, B. Dahlblom, K. & Kullgren, G. (2014). Outcome of a school-based intervention to promote life-skills among young people. *Asian Journal of Psychiatry*, 9(1), 78-84.

Murphy, E. (2017). Responding to the needs of students with mental health difficulties in higher education: An Irish perspective. *European Journal of Special Needs Education*, 32(1), 110-124.

Ravindra, P. Bosky, Sh. & Dharmendra, Sh. (2017). Significance of life skills education. *Contemporary Issues in Education Research*, 4(1), 6 -12.

Siu, M. (2016). Loneliness, the search for meaning, and the psychological well-being of economically disadvantaged Chinese adolescents living in Hong Kong: Implications for life skills development programs. *Children and Youth Services Review*, 71(1), 52-60.

The Scottish Government, Edinburgh. (2009). Curriculum for excellence building the curriculum 4 skills for learning, skills for life and skills for work. *ISBN*, 79-98.

Unicef. (2003). Which skills are “life skills? *Life Skills Based Education*. 22(1), 41-53.

Vychrvsky, M..A. (2009). Facilitating self and social supports in family life skills. *Journal of Instruction*,.25(1), 709-728.

Wang, F. Luo, D. Fu, L. Zhang, H. Wu, S. Zhang, M & Chen, X. (2017). The efficacy of couple-based interventions on health-related quality of life in cancer patients and their spouses: A meta-analysis of 12 randomized controlled trials. *Journal Cancer Nursing*, 40(1), 39-47.

WHO. (1996). *Life skills education*. Conclusions from a United Nation inter agency meeting. Geneva, 25-38.

